

عنوان مقاله:

مقایسه‌میان تفاسیر هایدگر و گادامر در باب دیالکتیک افلاطون

محل انتشار:

دوفصلنامه پژوهش های مابعدالطبیعی، دوره 4، شماره 8 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 34

نویسنده:

کاظم هانی - Allameh Tabataba'i University

خلاصه مقاله:

هایدگر و گادامر به افلاطون رجوع می کنند تا راهی برای بحران بی معنایی تمدن غربی پیدا کنند. هایدگر معتقد است افلاطون به دلیل طرح آموزه ایده ها، آغازگر فراموشی وجود و مسبب بحران غرب است. او به تمثیل غار افلاطون رجوع می کند تا چگونگی این فراموشی را وضوح ببخشد. در این تمثیل، دیالکتیک به معنای سیر از عالم محسوس به عالم معقول است. هایدگر در تفسیرش از افلاطون به همین معنا توجه می کند و سایر معانی دیالکتیک از قبیل گفتگو، روش ترکیب و تقسیم و ... را نادیده می گیرد. البته او در درس گفتار سوفسطائی افلاطون دیالکتیک را به سخن مرتبط می کند و به نقد آن می پردازد. به طور کلی هایدگر دیالکتیک را معضلی برای فلسفه می داند. برخلاف هایدگر، گادامر به معانی مختلف دیالکتیک در فلسفه افلاطون توجه می کند و سیر تکاملی آن را مدنظر قرار می دهد. تاکید گادامر بر گفتگوی موجود در محاورات سقراطی و همچنین روش ترکیب و تقسیم موجود در محاورات متاخر سبب می شود که او فلسفه افلاطون را فلسفه ای پویا و زنده لحاظ کند. در نظر گادامر گفتگو و دیالکتیک موجود در محاورات افلاطون می تواند ما را از بحران کنونی غرب نجات دهد. این نوشتار درصدد است با روشی توصیفی-تحلیلی، این نکته را بررسی و تبیین کند که چگونه پرداختن به معانی مختلف دیالکتیک سبب می شود که هایدگر و گادامر دو تفسیر متفاوت از افلاطون ارائه دهند.

کلمات کلیدی:

Plato, Heidegger, Gadamer, Dialectic, Idea, Dialogue
گفتگو، افلاطون، هایدگر، گادامر، دیالکتیک، ایده.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1919721>

